



The Educational and Semantic Effects of "Science" in the Aphorisms of Nahj al-Balagha

Hossein Ahmadi Amoui^{a*}, Samaneh Naseri^b

^a Ph.D. in Arabic Language and Literature, Lecturer at Farhangian University, Shahrekord, Iran. nahw63@yahoo.com

^b Ph.D degree holder of Arabic Language and Literature, Shahrekord, Iran. naseri.samaneh@yahoo.com.

KEYWORDS

Nahj al - Balagha
Hekmat
Wisdom
Science

ABSTRACT

"Science" is one of the clear and obvious concepts that every person is aware of to some extent. In fact, one of the best blessings of God for mankind is knowledge. Science is a divine gift by means of which God created man, who attained their superior over other creatures and some people over others. Imam Ali, who is himself a divine scholar and the door of Medina of the knowledge as noted by the Prophet, considers knowledge to be the value of a person. To him, in view of that treasure of divine secrets, whoever who has more knowledge and piety has a higher rank. The noble book of Nahj al-Balagha consists of three parts. First, the sermons, then the letters, and then the wisdoms or aphorisms, which are very important due to their generality and adaptability for all generations.

This article has been written in order to understand "science and its epistemological positions" in the precious words of Imam Ali in Nahj al-Balagha. The result of the investigation and analysis in this article showed that according to Nahj al-Balagha, science and knowledge are not the only criteria of excellence; rather, science combined with righteous action leads to human excellence. Besides science and knowledge have a much higher value than material capitals and serves as the spirit of human sciences, which has an unlimited capacity for acceptance, and which is aesthetically manifested in the words of the Imam.

جلوه های معرفتی و معنایی «علم» در کلمات قصار نهج البلاغه

حسین احمدی آموئی الف*، سمانه ناصری ب

الف دانش‌آموخته‌ی دکترای زبان و ادبیات عربی، مدرّس دانشگاه فرهنگیان، ایران، شهرکرد. nahw63@yahoo.com

ب دانش‌آموخته‌ی دکترای زبان و ادبیات عربی، شهرکرد. naseri.samaneh@yahoo.com

چکیده	واژگان کلیدی
<p>علم در حقیقت یکی از برترین نعمت‌های خداوند برای بشر است. علم موهبتی الهی است که خداوند به وسیله آن، انسان را بر سایر موجودات و برخی انسان‌ها را بر برخی دیگر برتری داده است. حضرت علی (ع) که خود یک عالم ربّانی و باب مدینه‌ی علم پیامبر (ص) است، ارزش انسان را به دانایی او می‌داند و در دیدگاه آن گنجینه‌ی اسرار الهی، هر کس دانایی و تقوای بیشتری دارد، از مرتبه‌ی بالاتری برخوردار است. واژه «علم» از واژگان پرکاربرد در نهج البلاغه است. کتاب شریف نهج البلاغه مشتمل بر سه بخش است. خطبه‌ها، نامه‌ها و سپس حکمت‌ها یا همان کلمات قصار که به سبب عام بودن و قابلیت تطبیق برای همه‌ی نسل‌ها، از اهمیت بسزایی برخوردار است.</p> <p>این نوشتار در جهت شناخت «علم و جایگاه‌های معرفتی آن»، در سخنان گهربار امام علی (ع) در نهج البلاغه، به رشته‌ی تحریر درآمده است. نتیجه‌ی بررسی و تحلیل در این نوشتار نشان می‌دهد که علم و آگاهی تنها ملاک برتری نیست بلکه علم توأم با عمل صالح موجب تعالی بشر است و علم و دانش به نسبت سرمایه‌های مادی از ارزش بسیار والاتری برخوردار است و روح جایگاه علوم بشری است که از ظرفیت نامحدودی برای پذیرش برخوردار است که به شکل زیبایی در کلام امام جلوه‌گر شده است.</p>	<p>معناشناسی، نهج البلاغه، علم. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷</p>

۱ - مقدمه

امام علی (ع) یکی از بزرگ‌ترین خطیبان عرب و بعد از پیامبر (ص)، بزرگ‌ترین مرد اسلام است. این مرد بزرگ چنان که در وصفش گفته‌اند جامع جمیع جهات و نمونه‌ی انسان کامل بوده است. القابی که از قدیم به او داده شده است با آن که برای نشان دادن عظمت مقام او کافی نیست، حکایت از بزرگی مقام او دارد. باب مدینه‌ی علم پیامبر یکی از این صفات و خصائص ارزنده‌ی است که برای ایشان بیان شده است. تا جایی که خود امام در اثنای حکمت ۱۴۷ درباره‌ی دانش وافر که در سینه‌ی مبارکشان است چنین می‌فرماید: (... هَا إِنِّ هَاهُنَا لِعِلْمًا جَمًّا (وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ)...)(نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷) ترجمه: ...و بدان که در اینجا (اشاره به سینه‌ی مبارک کرد) دانش فراوانی انباشته است...

همان‌طور که قرآن کریم معجزه‌ی الهی است که با وحی الهی به زبان پیامبر اکرم (ص) جاری شده و هم از نظر لفظ و هم از نظر محتوا، کلام الهی است، نهج البلاغه نیز معجزه‌ی علوی است که با الهام الهی و الهام از قرآن کریم و تعالیم رسول الله (ص)، به زبان امیرالمؤمنین (ع) جاری گشته و به دست توانای مرحوم سید رضی جمع آوری گردیده است (ر.ک: حجازی و دیگران، ص ۲۹).

این کتاب متضمن شگفتی‌های بلاغت و نموده‌های ارزنده‌ی فصاحت و جواهر سخنان عرب و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی است که در هیچ کتابی جمع‌آوری نشده و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن گردآوری نگردیده است؛ زیرا امیرمؤمنان منشأ فصاحت و منبع بلاغت و پدیدآورنده‌ی آن است. امام علی (ع) تنها فردی است که از میان تمام گذشتگانی که سخنی از آن‌ها به جا مانده، به آخرین مرحله‌ی فصاحت و بلاغت رسیده و گفتار او اقیانوسی است بی‌کرانه، که سخن هیچ بلیغی به پایه‌ی آن نخواهد رسید (ر.ک: دشتی، ص ۲۷).

از آغازین لحظه‌هایی که فکر نورانی سید رضی (قدس سرّه) در پرتو کلمات وحی‌گونه حضرت مولی‌المؤمنین امیرالمؤمنین علیه السلام مجذوب معارف گران‌سنگ علوم علوی شد و با هممتی والا، نهج البلاغه را سامان داد تاکنون کارهای فرهنگی مفید و اقدامات ارزنده‌ی صورت پذیرفته و محققان، دانشمندان، مولفان و... همه برای شناسایی و شناساندن این کتاب عظیم، تلاش مستمر و همه‌جانبه‌ای نمودند.

این نوشتار در پی آن است تا با درنگ و ژرف‌اندیشی در سخنان امام علی (ع)، آن معلّم کاروان انسانیت، ابعاد علم را، تا حدّی آشکار ساخته و توجّه دل‌دادگان به این صحیفه‌ی نورانی معنویت را، به گوشه‌ای از سخنان پرنغز این بزرگوار، رهنمون سازد. با توجه به این‌که، جلوه‌های معرفتی و مصداق‌های «علم»، در بیانات امیرالمؤمنین (ع) به وفور یافت می‌شود، به اختصار به چند مورد که در کلمات قصار (حکمت‌ها) آمده بسنده می‌کنیم. این در حالی است که واژه‌ی «علم» در نهج البلاغه بارها با شیوه‌های بیانی گوناگون و به صورت زیبایی در عین فصاحت و بلاغت نمود پیدا کرده است.

همچنین آیات و روایاتی که در شرافت علم و فضیلت آن و وجوب تحصیل آن رسیده بسیار است از جمله پروردگار عالم جلّ شأنه می‌فرماید: ﴿... إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...﴾ (فاطر: ۲۸) ترجمه: ...از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند... و همچنین می‌فرماید: ﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...﴾ (زمر: ۹) ترجمه: ...آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟!... باز چنین می‌فرماید: ﴿... وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ (عنکبوت: ۴۳) ترجمه: این‌ها مثال‌هایی است که ما برای مردم می‌زنیم، و جز دانایان آن‌را درک نمی‌کنند (ر.ک: نراقی، ص ۷۰).

به علت گسترده بودن معنای علم و تنوع جلوه‌های آن در نهج البلاغه تصمیم بر این شد برای مختصرشدن بحث، تنها به بررسی جلوه‌های علم از دیدگاه امام علی (ع) در کلمات قصار (حکمت‌ها) بپردازیم و تحقیق در حوزه دیگر ابعاد علم (علم غیب) که در بخش خطبه‌ها به چشم می‌خورد، به لطف خداوند در آینده‌ای نه چندان دور انجام خواهد گرفت.

در این نوشتار ابتدا با مفهوم واژه‌ی علم آشنا می‌شویم و پس از آن به تقسیم ابعاد جلوه‌های استخراج شده در قالب دو بخش: الف: ماهیت علم، شامل: اقسام علم، نعمتی الهی، ارزش علم، شناخت جایگاه علم، جایگاه علماء، مسئولیت عالم و جاهل و بخش ب: حوزه‌های ارتباطی علم، شامل: رابطه‌ی علم و عمل، رابطه‌ی علم و مال، رابطه‌ی علم و تفکر می‌پردازیم و با یکی از مهم‌ترین

راه آوردهای علم آشنا می‌شویم و تا حد امکان به بررسی هر یک می‌پردازیم.

تذکر: شماره‌ی حکمت‌ها بر اساس ترجمه نهج البلاغه دشتی است و در برخی کتب و شروح اندکی متغیر است. برای ورود به بحث جلوه های معرفتی علم در نهج البلاغه ابتدا نیاز به توضیح چند اصطلاح لازم است. از جمله:

مفهوم شناسی واژه علم:

الف: معنای لغوی علم: «(الْعِلْمُ): إدراك الشيء بحقيقته. و- اليقين. و- نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَحِبُّ. و- المعرفة.» (مصطفی و دیگران، ۱۳۷۷، ماده: علم). دانستن، یقین کردن^۱، دریافتن، معرفت دقیق و با دلیل بر کیفیات معینه و یا حضور معلوم در نزد عالم، معرفت و هر چیز دانسته، دانش و آگاهی و معرفت و شناسایی، ج علوم (ر.ک: دهخدا، ماده: علم).

ب: معنای اصطلاحی علم: «هو الاعتقاد الجازم المطابق للواقع و قال الحكماء هو حصول صورة الشيء في العقل و الاول أخص من الثاني» (الجرجانی، ص ۶۷).

اما آنچه در این مکتوب از علم مد نظر است، همان معنای عام آن است که پیشتر نیز بدان اشاره شد.

الف) ماهیت علم:

جلوه‌های علم در کلمات قصار، نمودهای متعددی دارد بنابر این به بررسی تعدادی از آن در قالب ماهیت علم، با عنوان‌های اقسام علم، نعمتی الهی، ارزش علم، شناخت جایگاه علم، جایگاه علما، مسئولیت عالم و جاهل به صورت مجزا اشاره می‌کنیم:

اقسام علم از دیدگاه امام علی(ع):

امام علی (ع) می‌فرماید: (أَلْعِلْمُ عِلْمَانِ مَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ وَ لَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَطْبُوعُ) (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۸) ترجمه: علم دو گونه است: علم فطری و علم اکتسابی، علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد سودمند نخواهد بود. با توجه به فرمایش امام علی (ع) می‌توان نتیجه گرفت، علم از دیدگاه آن امام همام شامل دو بخش است. الف: علم مطبوع (فطری)

ب: علم مسموع (اکتسابی)

تقسیم علم به «علم مطبوع و علم مسموع» از جمله تقسیماتی است که حضرت مطرح فرموده است. علم مطبوع - چنان که برخی از بزرگان، از قبیل علامه مجلسی تصریح کرده‌اند^۲ - علمی است که ریشه در فهم و اندیشه‌ی انسان دارد و از درون وی می‌جوشد؛ در حالی که علم مسموع، علمی است که از منابع خارجی و از راه خواندن و شنیدن به دست می‌آید. روشن است که آن چه در این قسمت، در صدد تبیین و توضیح آن هستیم، علم مطبوع و درون‌زاد نیست؛ بلکه علم مسموع و اکتسابی است (ر.ک: بهشتی، ص ۱۹۷).

علم، نعمتی الهی:

امام علی(ع) دانش را از نعمات بزرگ الهی می‌داند و از نظر ایشان برخورداری از علم و دانش موهبتی است که فقط برخی از مردم توفیق به دست آوردن آن را دارند؛ آنجا که می‌فرمایند:

(إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَبْدًا حَظَرَ عَلَيْهِ الْعِلْمَ) (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۸) ترجمه: هر گاه خدا بخواهد بنده‌ای را خوار کند، دانش

۱- علم هرگاه به معنای دانستن باشد احتیاج به یک مفعول دارد و به قیاس در مفعول آن «باء» افزایند؛ و اگر به معنای یقین کردن باشد دو مفعول می‌گیرد و در این حالت اگر به باب افعال رود دارای سه مفعول خواهد بود.

۲- «لعل المراد بالمطبوع ما استنبط بفهمه و فكره الصائب في الاصول و الفروع من الادلة العقلية و النقلية...» (مجلسی، ج ۱، ص ۲۱۹).

را از او دور سازد.

با توجه به فرمایش امام علی (ع) درک می‌کنیم کسانی که می‌خواهند مخصوصاً از علوم الهی بهره‌مند گردند باید رابطه خود را با خدا اصلاح و تقویت کنند. چنان‌که شاعر عرب می‌گوید: «به شخص زیرکی از کم حافظه بودن خود شکایت کردم، مرا به ترک گناه راهنمایی کرد و گفت: حفظ علم، لطف الهی است و لطف خدا به گناهکار نمی‌رسد»^۳ (ر.ک: زمانی، ص ۲۸۲). بنابراین می‌توان به نوعی چنین برداشت کرد که محرومیت از علم و دانش مجازات الهی است.

اگر کسی به خواست خود نادانی را برگزیند و تن به ظلمتِ جهل و بی‌خبری دهد و جغدوار از نور معرفت بگریزد، به خودی خود استعداد معرفت‌پذیری را از دست می‌دهد. بنابراین خود انسان است که با گزینش نادرست، از نعمت علم بی‌بهره می‌ماند و خداوند که کانون علم و معرفت است، هرگز به جهل و نادانی بنده‌ای رضا نداده است (ر.ک: حمیدزاده، ج ۲، ص ۲۹۹ و ۲۹۸).

بنابراین در صورتی که انسان به پستی گراید و به خواست خویش ذلتِ نادانی را به عزت علم و آگاهی ترجیح دهد، از نعمت پر بهای علم و معرفت محروم خواهد ماند.

ارزش علم:

از آنجا که سخن از علم و دانش در جای جای کلام گهربار امام علی (ع) به وفور یافت می‌شود، می‌توان به ارزش و اهمیت علم و جایگاه آن، نزد آن امام همام پی برد، اما اشاره به برخی از واضح‌ترین نموده‌های آن در اینجا خالی از لطف نیست:

- ✓ میراثی گرانبها: (الْعِلْمُ وَرِاثَةٌ كَرِيمَةٌ...) (نهج البلاغه، حکمت ۵)
- ✓ شرافتی بزرگ: (...لَا شَرَفَ كَالْعِلْمِ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳)
- ✓ برتری بر مال: (...الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)
- ✓ حافظ انسان: (...الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)
- ✓ پر بار شدن با انفاق: (...وَالْعِلْمُ يَزُكُّو عَلَى الْإِنْفَاقِ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)
- ✓ عامل پاداش اخروی: (...مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينٌ يُدَانُ بِهِ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)
- ✓ عامل اطاعت و بندگی: (...بِهِ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)
- ✓ عامل نام نیک انسان پس از مرگ: (...وَجَمِيلٌ أَلْحَدُوْتُهُ بَعْدَ وَقَاتِهِ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)
- ✓ والائی و برتری علم: (...وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)
- ✓ عامل جاودانگی انسان: (...وَالْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷) (ر.ک: دشتی، ج ۲، ص ۷۵۸ و ۷۵۷).

شناخت جایگاه علم:

امام علی (ع) در کلام گهربار خویش در حکمت ۲۰۵ درباره‌ی علم و جایگاه آن این‌چنین می‌فرماید: (كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ) (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۵) ترجمه: هر ظرفی با ریختن چیزی در آن پر می‌شود جز ظرف دانش که هر چه در آن جای دهی، وسعتش بیشتر می‌شود.

«هر ظرفی با آمدن مظلوف از گنجایش آن کاسته می‌شود مگر جان بشر که ظرف اندیشه‌هاست و با آمدن اندیشه نه تنها

۱- متن شعر بدین شرح است: شکوت الی وکیع سوء حفظی
فارشدنی الی ترک المعاصی
و فضل الله لا یوتیه عاصی

۱- متن شعر بدین شرح است: شکوت الی وکیع سوء حفظی
و قال: لان حفظ العلم فضل

ظرفیتش کم نمی شود بلکه منشرح شده شرح صدر پیدا می کند و هر چه بهتر بفهمد آمادگیش برای فراگیری معارف برتر، عمیق تر و بیشتر خواهد شد. «(جوادی آملی، ص ۵۹ و ۵۸)

با توجه به این سخن امام می توان چنین ابراز داشت که این کلام به طور کلی به دو موضوع پرداخته است: الف: نا محدود بودن ظرف علم، ب: روح، جایگاه علوم بشری (ر.ک: دشتی، ج ۲، ص ۷۷۳).

الف: نا محدود بودن ظرف علم: جهان حاضر سراسر پر از ظروف و مظروفات است. هر ظرفی در این عالم گنجایش خاصی دارد که با اتمام آن لبریز می شود.

ظرفیت های موجود آدمی در بعد محسوسات نیز محدود، و با اندک وارداتی لبریز می شود، مثلاً چشم، تا وقتی که از دیدن خسته نشده است، لذت می برد ولی به مرور زمان ملول گشته، عقب نشینی می کند مگر این که از حوزه محسوسات فراتر رفته با معقولات مأنوس شود. به تعبیر دیگر ظروف محسوسات متناسب با محسوسات بوده و با ازدیاد بار محتوا با تنگنا روبرو می شوند در حالی که ظروف علم و ادراک با نفس ناطق بشری ارتباط دارند که محدودیتی ندارد و با پذیرش واردات عقلی و عملی سعه ی وجودی آن ها بیشتر می شود و هر مرتبه ای از فهم و ادراک، شرایط جدیدی را برای پذیرش جدید فراهم می آورد (ر.ک: حمید زاده، ج ۲، ص ۶۷).

ب: روح، جایگاه علوم بشری: در ادامه، از این کلام (حکمت ۲۰۵) می توان برداشت کرد که جایگاه علوم بشری روح انسان است «و ظرفیت توسعه پذیر وعاء علم که همان نفس ناطقه است وسعت جان بشری را نشان می دهد» (حمید زاده، ج ۲، ص ۶۸). در پایان ظرف همان آدمی است و علم، مظروف آن. به علم، وجود آدمی توسعه می یابد و این کلام، معنای بلندی دارد.

جایگاه علما:

بنا به فرمایش امام علی (ع) در حکمت ۱۴۷ به طور کلی مردم سه دسته اند:

النَّاسُ ثَلَاثَةٌ :

۱- عالمان راستین (فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ)

۲- دانش طلبان در طلب هدایت (مُتَعَلِّمٌ عَلَي سَبِيلِ نَجَاةٍ)

۳- انسانهای سرگردان (هَمَجٌّ رَعَاةً) (ر.ک: دشتی، ج ۲، ص ۷۵۷).

دسته اول: عالم را به صفت ربّانی - منسوب به پروردگار متعال، بر خلاف قاعده و بر غیر قیاس، نسبت به رب، ربّانی - وصف نموده است، یعنی عالمی که با پروردگاری خدا آشنا و عارف به خدای تعالی است.

دسته دوم: دانشجو که امام (ع) او را به صفت در راه نجات بودن وصف کرده است. چون علم وسیله نجات و رستگاری در عالم آخرت است و دانشجو در راه تحصیل علم، در حقیقت در راه نجات حرکت می کند تا به وسیله دانش بدان هدف نهایی برسد.

دسته سوم: عوام و ساده لوحانند که امام علی (ع) آنان را در ادامه با چند صفت تعریف کرده است. من جمله - آنچه با بحث ما مرتبط است - آن جا که می فرمایند: (...لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷) ترجمه: ...نه از روشنایی دانش نور گرفتند...، یعنی ایشان در تاریکی جهل به سر می برند (ر.ک: بحرانی، ج ۵، ص ۵۴۶).

و اما آنچه در این نوشتار برای ما اهمیت دارد دسته اول است. بنابراین این گونه دنبال می کنیم:

ارزش عالمان راستین:

✓ خداگرائی (فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ)

✓ بهره‌مند از حیات جاودانه (وَ الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ)

✓ باقی بودن آثار آنان در دلها (أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ) (ر.ک: دشتی، ج ۲، ص ۷۵۸).

البته با توجه به اوصافی که امام علی (ع) درباره‌ی برخی از دانشمندان (عالمان بی‌تعهد) در ادامه‌ی حکمت ۱۴۷ بیان می‌دارد؛ از جمله پول‌پرستی، شهرت‌طلبی، ریاء، نداشتن ظرفیت برای درک شبهات و حل آن‌ها، روشن می‌گردد که دانشمندان خالص کمیابند و به لباس و ظواهر فریبنده نمی‌توان اعتماد کرد (ر.ک: زمانی، ص ۱۳۳).

مسئولیت عالم و جاهل:

با توجه و ژرف‌نگری در کلام امیرالمؤمنین (ع) می‌توان به مسئولیت و وظیفه‌ی مهمّ دانیان در زمینه‌ی یاد دادن پی برد که نمونه‌ی آن در حکمت ۴۷۸ نمود پیدا کرده است:

امام علی (ع) می‌فرماید: (مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمُوا) (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۸) ترجمه: خدا از مردم نادان عهد نگرفت که بیاموزند، تا آن که از دانیان عهد گرفت که آموزش دهند.

سخن امام علی (ع) در این مقام، متوجه علمی است که زمینه ساز عمل به واجب است، گرچه چنین واجبی در امور بهداشتی و درمانی و یا دیگر رشته‌های تخصصی باشد که به صورت واجب کفایی مطرح خواهند بود. همان‌طور که آموختن و فراگیری بدون وجود معلم و داشجو، محقق نمی‌شود، یاد دادن و دانش آموختن نیز بدون وجود استاد و آموزنده میسر نمی‌شود. یعنی هر بخشی متمم بخش دیگر است و لذا خدای متعال پیش از آن که از نادانان پیمان دانیایی گرفته باشد از دانیان تعهد دانش‌آموزی ستانده است، گذشته از این که تعمیم معرفت برای ارباب معرفت یک وظیفه و مسئولیت و تعهد است (ر.ک: حمید زاده، ج ۳، ص ۴۱۸).

«یکی از حکیمان گفته است: دانش خود را برای کسی که در جستجوی آن است بذل کن و کسی را هم که در جستجوی آن نیست به آن فراخوان، وگرنه همچون کسی هستی که میوه‌ای به او داده شود که نه خود خورد و نه به کس دهد تا تباہ گردد» (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۸، ص ۲۹۲).

یک برنامه‌ی طبیعی جهانی است که نادان را به نداشتن علم و رشد فکری نکوهش می‌کند. در این برنامه جز خود شخص هیچ فرد دیگری را مسئول نمی‌دانند، اما امام علی (ع) مسئولیت را به عهده‌ی دانیان گذاشته است. بدین ترتیب در محیط‌هایی که رشد فکری وجود ندارد و مردم به وظایف خود آشنا نیستند، دانشمندان و دانیان مسئولند، زیرا نادان ارزش و لذت علم را نمی‌داند و احساس مسئولیت هم نمی‌کند. بنابراین باید ابتدا مسئولیتش را نشان داد، بعد احساس آن را در نهادش به وجود آورد، سپس از او توقع داشت (ر.ک: زمانی، ص ۴۶۵).

نکته‌ی قابل توجه این است که اهل علم، از آن‌جایی که پرچم‌دار آگاهی و معرفت هستند به مثابه‌ی پزشکانی که در پی بیماران و در اندیشه‌ی درمان آن‌ها، احساس مسئولیت می‌کنند باید زمینه‌ساز آگاهی و بیداری بیماران جهل و نادانی باشند و وظیفه‌ی مهمّ الهی و انسانی خویش را در این راستا عمل نمایند تا آفت معرفت‌سوز جهل و بی‌خبری، آحاد جامعه را به پرتگاه جهنم سوق ندهد و مرگ تدریجی بشریت را به همراه نداشته باشد (ر.ک: حمید زاده، ج ۳، ص ۴۱۹).

بنابراین در جهت سعادت بشر گامی موثرتر از جهل‌زدایی وجود ندارد و این مسئولیت خطیر، بر عهده‌ی عالمان و آگاهان است.

(ب) حوزه‌های ارتباطی علم:

در این بخش به بررسی علم از جنبه‌ی ارتباط آن با سایر حوزه‌ها می‌پردازیم که به ترتیب عبارتند از: رابطه‌ی علم و عمل، رابطه‌ی علم و مال، رابطه‌ی علم و تفکر

رابطه‌ی علم و عمل:

بیانات متعددی در رابطه با لزوم مقارنت علم و عمل در کتاب شریف نهج البلاغه به چشم می‌خورد که نمی‌توان آن را به تفصیل در این نوشتار بیان نمود، لیکن به طور موجز آن را در دو مورد: الف: بدترین و بهترین دانش‌ها و ب: ضرورت عمل‌گرایی (نکوهش علم بدون عمل) (ر.ک: دشتی، ص ۴۷۶ و ۴۷۵) به شرح زیر ذکر می‌کنیم:

الف: بدترین و بهترین دانش‌ها:

امام علی (ع) می‌فرماید: (أَوْضَعُ الْعِلْمَ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ) (نهج البلاغه، حکمت ۹۲) ترجمه: بی‌ارزش‌ترین دانش، دانشی است که بر سر زبان است، و برترین علم، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است. «علم و دانش وقتی در جامعه اثر دارد و منشاء تحول می‌گردد که دانشمند به آن عمل کند، وقتی عالم به دانش خویش عمل نکرد، نه تنها پیش خدا بی‌ارزش می‌گردد بلکه مردم هم برای او احترام قائل نخواهند شد» (زمانی، ص ۴۵ و ۴۴). خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم این گروه را سرزنش کرده می‌فرماید: اینکه بگوئید و عمل نکنید از نظر خدا عذابی سخت دارید.^۴

این موضوع کاملاً بر حق و درست است زیرا هرگاه علم عالم فقط در حد گفتن به زبان باشد و عبادت و عملی از او آشکار نشود، آن شخص دانشمندی ناقص است. اما هر گاه مردم را با زبان و سخنان بهره‌رساند و مردم او را در حال عبادت استوار ببینند بهره‌اش تمام‌تر و عام‌تر خواهد بود و مردم می‌گویند: اگر به آنچه می‌گوید به حقیقت معتقد نباشد، خود را در عبادت به چنین زحمتی نمی‌اندازد و حال آنکه در مورد نخست مردم می‌گویند: آنچه می‌گوید نفاق آمیز و یاوه است که اگر به راستی به آنچه می‌گوید معتقد بود، پای بند گفته خود می‌شد و در اعمال و حرکات او ظاهر می‌گشت (ر.ک: ابن‌ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۳۰۶ و ۳۰۵). «چرا که فلسفه آگاهی و فراگیری دانش، عمل است. اگر به این هدف پس از آگاهی عمل شود، علم در مقام بلند خود قرار گرفته است و اگر صرف فهمیدن باشد پایین‌ترین مقام خود را به دست آورده است» (مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۵۰۳).

بنابراین معلوماتی که بصورت محفوظات در ذهن فرد وارد شوند و فرد، جز الفاظ، چیزی از آنها نداند، در مقایسه با آنچه درک شده و در اعضا و ارکان وجود فرد ظاهر می‌گردند، بی‌ارزش تلقی میشوند.

ب: ضرورت عمل‌گرایی (نکوهش علم بدون عمل):

امام علی (ع) می‌فرماید: (الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ وَعَلِمَ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ) (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶) ترجمه: علم و عمل پیوندی نزدیک دارند، و کسی که دانست باید به آن عمل کند، چرا که علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخ داد می‌ماند و گرنه کوچ می‌کند.

دوام هر موجودی به چیز مخصوصی است تا در مقابل آفت‌ها مصون بماند، دوام علم و بقای آن بسته به عمل نمودن به علمی است که انسان آموخته است.

به بیان دیگر دوام سرمایه‌های علمی بسته به تکرار و مرور همان مسائل است و بدون تکرار و تدریس به تدریج فراموش می‌شود. یکی از معنای (و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ) (بقره: ۳) بیان مسائل علمی در حدی که آموخته شده می‌باشد (زمانی، ص ۳۶۴).

اگر انسان طبق علم عملی، وظایف خود را انجام داد، آن علم باقی می‌ماند و گرنه فراموش می‌شود. خطاط ماهر اگر تکرار و تمرین نکند هنر خطاطی از او گرفته می‌شود و کم کم آن فن و هنر از یادش می‌رود. علوم عملی چنین است اما بیان معصوم بلندتر از این معناست. علم آن است که با عمل هماهنگ باشد و گرنه جهل است. ندای علم آن است که به عمل می‌گوید: به

۱- سوره صف آیه ۳ ﴿ كَيْدٌ مِّمَّا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْمَلُونَ ﴾

دنبال من بیا. اگر عمل به دنبال علم رفت علم می ماند وگرنه علم رحلت می کند و جای خود را به جهل می سپارد. رحلت علم خود جهل است (ر.ک: جوادی آملی، ص ۱۱۰).

«سفیان بن عیینه گوید: «جاهل ترین مردمان آن کس است که به علم خود کار نکند، و به علم مشغول گردد و عمل رها کند، و عالم ترین مردمان آن کس است که به علم خود کار کند، و این از برای آن است که کمال علم به قوه یقین است و علامت قوه یقین در علم، عمل است» (صوفی تبریزی، ج ۱، ص ۶۲۷).

بنابراین از همه ی این بیانات می توان لزوم ملازمت علم و عمل و هماهنگی آن دو و شدت اهمیت آن در دیدگاه امام علی (ع) را دریافت.

رابطه ی علم و مال:

با اندکی درنگ در بیانات امام علی (ع) می توان به وضوح دریافت که در نظر ایشان علم و دانش به نسبت سرمایه های مادی از چه ارزش والایی برخوردار است.

الف: سیری ناپذیری طالب علم و طالب مال (دنیا):

امام علی (ع) می فرماید: (مَنْهُوَ مَانٍ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا) (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۷) ترجمه: دو گرسنه هرگز سیر نشوند: جوینده علم و جوینده مال.

کسی که به چیزی علاقه مند باشد و به آن عشق بورزد، همه تلاش خود را برای دستیابی به آن انجام می دهد، علاقه ی علم و دانش در نهاد هر کس جای گرفت برای به دست آوردن آن ناراحتی ها می کشد. عشق به دنیا هم در قلب هر کس جای گرفت خواه ناخواه همه چیز خود را روی آن می گذارد. عشق به علم بود که حضرت موسی را فرسنگ ها راه در جستجوی خضر کشاند^۵ و عشق به ثروت بود که قارون را سرنگون کرد^۶ (ر.ک: زمانی، ص ۴۴۷).

ب: برتری علم و بی ارزشی مال:

امام علی (ع) می فرماید: (...الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ... وَ الْعِلْمُ حَاكِمٌ وَ الْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷) ترجمه: ...دانش بهتر از مال است، زیرا علم، نگهبان تو است، و مال را تو باید نگهبان باشی؛ مال با بخشش کاستی پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد؛ و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده با نابودی مال، نابود می گردد... و دانش فرمانروا، و مال فرمانبر است...

ج: علم عامل جاودانگی و مال عامل هلاکت:

امام علی (ع) می فرماید: (...هَلَكَ خَزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَانِ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷) ترجمه: ...ثروت اندوزان بی تقوا مرده گرچه به ظاهر زنده اند، بدن هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دل ها همیشه زنده است... (ر.ک: دشتی، ج ۲، ص ۷۵۸ و ۷۵۷).

رابطه ی علم و تفکر:

امتیاز انسان بر دیگر موجودات داشتن نیروی تعقل و تفکر است. آدمی در بسیاری از ویژگی های جسمانی و ساختار بدنی با دیگر حیوانات مشترک است حتی بعضی از حیوانات در قوای جسمانی از انسان نیرومندترند و این امری است بدیهی (ر.ک: بحرانی (و دیگران)، ص ۱۳). از جمله ره آوردهای تفکر و تعقل علم آموزی است و این مهم در کلام گهربار امام علی (ع) نیز نمودار است، آن جا که امام در چندین جای این دو مورد را با هم ذکر کرده است:

۱- سوره کهف آیه ۶۶ ﴿ قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مَا عَلَّمْتَنِي بِمَا رُشِدًا ﴾

۲- سوره قصص آیه ۸۱ ﴿ فَحَسْبُنَا بِهِ وَ بَدَارَهُ الْأَرْضُ... ﴾

✓ امام علی (ع) می‌فرماید: (... وَ لَا عِلْمَ كَالْتَفَكْرِ ... وَ لَا شَرَفَ كَالْعِلْمِ ...) (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳) ترجمه: ... و دانشی چون اندیشیدن... و شرافتی چون دانش نیست...

✓ امام علی (ع) می‌فرماید: (وَ الْعِلْمُ وَرَأْتَهُ كَرِيمَةً وَ الْأَدَابُ حُلٌّ مُجَدَّدَةٌ وَ الْفِكْرُ مِرْأَةٌ صَافِيَةٌ) (نهج البلاغه، حکمت ۵) ترجمه: دانش، میراثی گرانبها، و آداب، زیورهای همیشه تازه، و اندیشه، آینه‌ای شفاف است.

یکی از مهم‌ترین ره‌آوردهای علم:

امام علی (ع) یکی از ره‌آوردهای علم و آگاهی را که باعث مسئولیت‌پذیری انسان می‌شود به زیبایی بیان می‌کند و می‌فرماید: (قَطَعَ الْعِلْمُ عُدْرَ الْمُتَعَلِّينَ) (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۴) ترجمه: دانش، راه عذر تراشی را بر بهانه جویان بسته است.

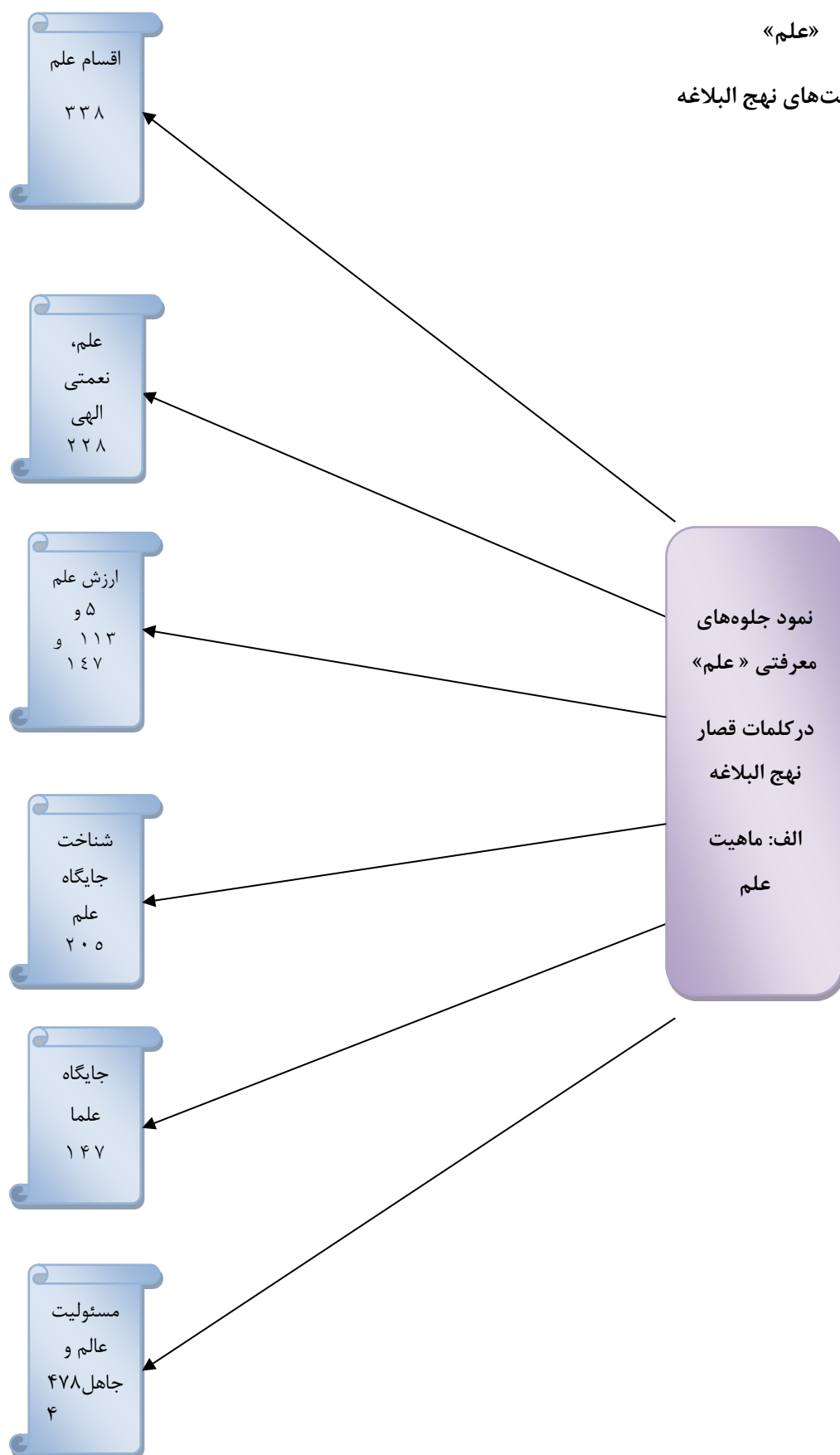
«اگر جاهل مرتکب خطا شود، و نادان قانون‌گریز باشد عذرشان جهل و ندانستن است، و در دفاع از خود نیز از کلمه‌ی نمی‌دانستیم استفاده می‌کنند! و نادانی توجیه‌گر خطای نادان، و مسئولیت‌پذیری عوام است اما با روشن شدن چراغ علم، در شبستان وجود انسان مسئولیت او سنگین و سنگین‌تر می‌شود، و با رشد آگاهی و توسعه معرفت بهانه‌ها گرفته شده، راه‌های توجیه و بهانه تراشی بسته می‌شوند، و راه وظیفه‌شناسی هموار می‌گردد، و به همین دلیل عالم معذور نیست، و راهی برای تیرئه خودش ندارد» (حمید زاده، ج ۲، ص ۲۸۸). در واقع کسانی که از زیر بار مسئولیت‌ها شانه خالی می‌کنند، عذرشان پذیرفته نیست و هرکس باید به وظیفه‌ی خود آشنا باشد و به آن عمل کند (ر.ک: زمانی، ص ۲۷۹).

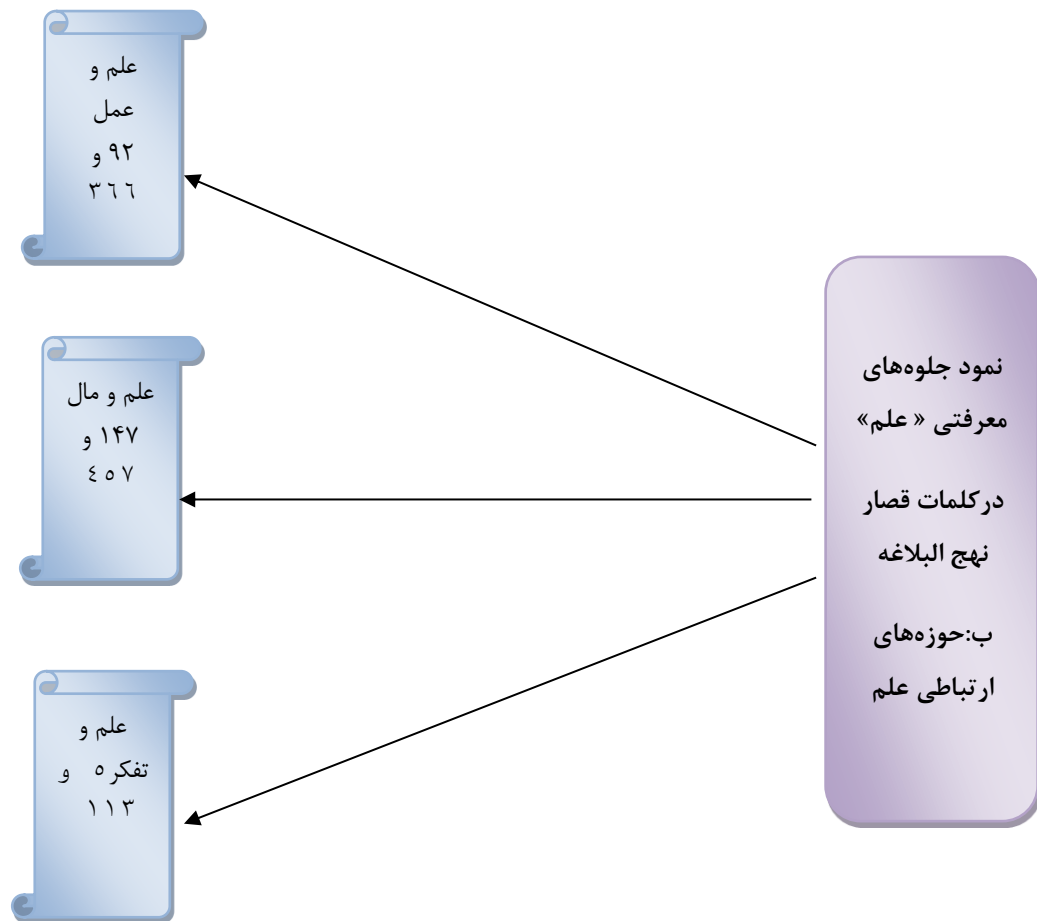
خلاصه کلام این که راه مسؤولیت‌گریزی و بی‌تعهدی با رسیدن به آگاهی بسته می‌شود و علم اتمام حجّتی برای عالمان است که عوام‌گونه اشتباهات و لغزش‌های خودشان را توجیه نکنند، بلکه با بهره‌وری از مشعل فروزان دانش به وظایف و تکالیف خویش نسبت به خالق و خلق عمل نمایند.

نمایه‌ای از جلوه‌های معرفتی

«علم»

در حکمت‌های نهج البلاغه





نتیجه:

بهترین درس‌های زندگی‌ساز در سخنان پیشوایان معصوم (ع) نهفته است. در این میان کلمات و سخنان گهربار امام علی (ع) در نهج البلاغه، جلوه و جاذبه‌ی خاصی دارد و همواره به عنوان گنجینه‌ای نفیس و سرشار از گهرهای ناب، مورد استفاده فرزندان و شیفتگان معارف علوی بوده است.

۱. با توجه به فرمایش امام علی (ع) می‌توان نتیجه گرفت، علم به دو بخش تقسیم می‌شود: الف: علم مطبوع (فطری)، ب: علم مسموع (اکتسابی).

۲. امام علی (ع) دانش را از نعمات بزرگ الهی می‌داند و از نظر ایشان برخورداری از علم و دانش موهبتی است که فقط برخی از مردم توفیق به دست آوردن آن را دارند.

۳. روح، جایگاه علوم بشری است که از ظرفیت نامحدودی برای پذیرش برخوردار است.

۴. از دیدگاه امیرمومنان جهل‌زدایی وظیفه‌ی مهم دانایان است.

۵. هر پدیده‌ای نشان و نمایه‌ای دارد، علم همدوش عمل است و با یکدیگر تعامل مستقیم دارند و عالم کسی است که در راستای درک و فهمی که به دست آورده عمل می‌کند.

۶. علم و دانش به نسبت سرمایه‌های مادی از ارزش بسیار والایی برخوردار است.

۷. علم‌آموزی از جمله ره‌آوردهای تفکر و تعقل است و علم اتمام حجتی برای عالم بوده و راه هرگونه عذرتراشی و بهانه‌جویی را به روی او می‌بندد.

منابع:

- [۱] قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، چ(۳)، تهران.
- [۲] نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، موسسه انتشارات مشهور، چ(۱)، قم.
- [۳] ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، ۱۳۷۴، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، چ(۱)، تهران.
- [۴] بحرانی (و دیگران)، میثم بن علی بن میثم، ۱۳۷۵، ترجمه شرح صد کلمه امیرالمومنین (ع)، ترجمه عبدالعلی صاحبی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ(۲)، مشهد.
- [۵] بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ۱۳۷۴، ترجمه شرح نهج البلاغه، ترجمه محمدرضا عطایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ(۱)، مشهد.
- [۶] بهشتی، سعید، ۱۳۸۱، آئین خردپروری، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ(۱۲)، تهران.
- [۷] الجرجانی، علی بن محمد، ۱۳۰۶، التعریفات، ناصر خسرو، ط(۱)، تهران.
- [۸] جوادی آملی، عبدالله، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، تدوین: حسین شفیعی، أسوه، چ(۱)، قم.
- [۹] حجازی (و دیگران): هیئت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، فخرالدین، کاوشی در نهج البلاغه (مقالات کنگره سوم)، بنیاد نهج البلاغه، چ(۱)، نامعلوم.
- [۱۰] حمیدزاده، اکبر، ۱۳۸۳، قطره‌ای از دریا (گذری و نظری بر حکمت‌های نهج البلاغه)، پیام نوین، چ(۲)، تهران.
- [۱۱] دشتی، محمد، ۱۳۷۶، فرهنگ معارف نهج البلاغه، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، چ(۱)، نامعلوم.
- [۱۲] دشتی، محمد، نامعلوم، فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، چ(۱)، نامعلوم.
- [۱۳] دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه‌ی دهخدا، دانشگاه تهران، چ(۲)، تهران.
- [۱۴] زمانی، مصطفی، ۱۳۷۴، نهج البلاغه کلمات قصار، فاطمه الزهرا (س)، چ(۸)، قم.
- [۱۵] صوفی تبریزی، ملاعبدالباقی، ۱۳۷۸، منهاج الولایه فی شرح نهج البلاغه، آینه میراث، چ(۱)، تهران.
- [۱۶] مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ هـ ق / ۱۹۸۳ م، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، ط (۳)، بیروت.
- [۱۷] مصطفی، ابراهیم (و دیگران)، ۱۳۷۷، المعجم الوسیط، انتشارات مرتضوی، چ(۲)، تهران.
- [۱۸] مکارم شیرازی، ناصر، نامعلوم، ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه، مطبوعاتی هدف، چ(۱)، قم.
- [۱۹] نراقی، احمد، ۱۳۸۷، معراج السعاده، طوبای محبت، چ(۱)، نامعلوم (قم).